

برنامه هسته‌ای ایران: «توانایی قانونمند»

* دکتر ناصر هادیان

** شانی هرمزی

چکیده

آنچه به طور معمول در مورد هدف ایران از پیگیری برنامه هسته‌ای عنوان می‌شود محدود به دو گزینه است: نخست برخورداری از توانمندی هسته‌ای صرفاً در مصارف علمی، پزشکی و انرژی که در محافل داخلی طرح می‌شود و دوم دستیابی به سلاح هسته‌ای که از جانب غرب به ایران نسبت داده می‌شود. این در حالی است که گزینه‌های دیگری از جمله «توانایی قانونمند» و «توانایی کامل» هسته‌ای نیز در این میان وجود دارد. سؤال مطرح آن است که چه عواملی ایجاب می‌کند جمهوری اسلامی ایران به دنبال کسب «توانایی قانونمند» هسته‌ای باشد؟ نوشتار حاضر بر این فرضیه استوار است که امنیت ملی، اهداف میان‌مدت سیاست خارجی و اهداف برنامه هسته‌ای ایران، کسب «توانایی قانونمند» هسته‌ای را ایجاب

* عضو هیئت علمی دانشگاه تهران (nhadian@ut.ac.ir)

** پژوهشگر مرکز تحقیقات استراتژیک (sh_hormozi@yahoo.com)

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۸/۱

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۶/۱۵

پژوهشنامه علوم سیاسی، سال پنجم، شماره سوم، تابستان ۱۳۸۹، صص ۲۱۴-۱۷۹.

می‌کند. از جمله اهداف میان‌مدت سیاست خارجی «حفظ وضع موجود» محسوب می‌شود. بازدارندگی، ارتقای شأن و منزلت داخلی، خارجی، ارتقای سطح توسعه، نقش‌آفرینی در قالب بازیگر فعال منطقه‌ای و بین‌المللی و کسب جایگاه شایسته و افزایش قدرت «جهان اسلام» از اهداف برنامه هسته‌ای ایران قلمداد می‌شود. در این راستا بدین پرسش نیز پاسخ داده می‌شود که کدام استراتژی قادر به تحقق اهداف یادشده است و چنین فرض می‌شود که استراتژی «تعامل همه‌جانبه» گزینه ایران در قبال غرب است. در این استراتژی کلیه موضوعات مهم دوجانبه و چندجانبه از قابلیت طرح و مذاکره برخوردار است.

واژه‌های کلیدی: «توانایی قانونمند» هسته‌ای، «توانایی کامل» هسته‌ای، «استراتژی تعامل همه‌جانبه»، برنامه هسته‌ای ایران، اهداف میان‌مدت سیاست خارجی، امنیت ملی.

مقدمه

در توضیح اهداف و انگیزه‌های برنامه هسته‌ای ایران نظرات و دیدگاه‌های متفاوتی هم در داخل و هم در خارج وجود دارد. یکی از نظرات مناقشه‌آمیزی که بیشتر از سوی غرب و به‌ویژه ایالات متحده طرح و متعاقب آن برداشت تهدیدآمیز و در گام بعدی ضرورت مقابله با آن عنوان می‌شود، این است که برنامه هسته‌ای ایران دستیابی به تسلیحات هسته‌ای را پی می‌گیرد.

مختصات محیط امنیتی ایران فضای پُرچالشی را به تصویر می‌کشد که مجموعه تهدیدهای موجود در آن مبنای استدلال برخی نسبت به ضرورت برخورداری ایران از سلاح هسته‌ای است، اما جنس تهدیدهای امنیتی پیرامونی ایران به گونه‌ای است که لزوماً برخورداری از سلاح هسته‌ای قادر به رفع آن نیست و چه‌بسا موجب آسیب‌پذیری بیشتر کشور شود. در این شرایط سطحی از توانمندی می‌تواند گزینه مطرح در برنامه هسته‌ای باشد. همچنین برنامه هسته‌ای ایران امکان مناسبی برای تعامل با غرب فراهم کرده و اساساً بازیگری ایران در سطح بین‌المللی را ممکن ساخته است. غرب اکنون حاضر به تعامل با ایران است و محرک اصلی این خواست، برنامه هسته‌ای کشور است. در این میان استراتژی که می‌تواند دربرگیرنده هم‌زمان اهداف برنامه هسته‌ای و اهداف میان‌مدت سیاست خارجی کشور باشد، استراتژی «تعامل همه‌جانبه»^۱ است.

سؤال اصلی در این مقاله آن است که چه عواملی ایجاب می‌کند جمهوری اسلامی ایران به دنبال کسب «توانایی قانونمند» هسته‌ای باشد؟ فرضیه این نوشتار آن است که امنیت ملی، اهداف میان‌مدت سیاست خارجی و اهداف برنامه هسته‌ای

ایران، کسب «توانایی قانونمند» هسته‌ای را ایجاب می‌کند. همچنین پرسش فرعی که در این مقاله بدان پاسخ داده می‌شود این است که کدام استراتژی قادر به تحقق اهداف یادشده است؟

در این مقاله ضمن تشریح محیط امنیتی ایران، اهداف میان‌مدت سیاست خارجی، اهداف برنامه هسته‌ای و استراتژی «تعامل همه‌جانبه» فرضیه یادشده از ابعاد مختلف آزمون می‌شود.

چهارچوب مفهومی

از زمان کشف توانمندی‌های نهفته در اتم، اختراع ابزارها برای تجهیزاتی که بتواند این توانمندی‌های نهفته را آشکار کند و به فعلیت برساند، همواره مدنظر دانشمندان و سیاست‌گذاران برخی کشورها بوده است. این روند همراه با تولید دانش و فناوری ویژه‌ای بوده که تنها در اختیار کشورهای معدودی قرار داشته است. محصولات و مصنوعاتی که در اثر ساختن ابزارها و به فعلیت رساندن توانمندی‌های نهفته در اتم تولید شده، در دنیای امروز از اهمیت بسزایی برخوردار است و نه تنها شاخصی برای سنجش توسعه و پیشرفت یک کشور، بلکه از مؤلفه‌های مهم قدرت ملی و بعضاً تأمین‌کننده امنیت ملی محسوب می‌شود.

چندی پس از تولید دانش ابزارها، محصولات و مصنوعات اتمی، استفاده از آن هم ابعاد صلح‌آمیز و هم امنیتی به خود گرفت و توزیع آنها در چهارچوب مقرراتی خاص در قالب معاهدات بین‌المللی و یا تعهدات متقابل بین کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده درآمد. تلاش‌های فراوانی در جهان به منظور محدودسازی تولید، ذخیره‌سازی، توزیع و استفاده از توانمندی‌های مخرب اتمی انجام گرفته اما به‌رغم موفقیت‌هایی که در زمینه عدم اشاعه به دست آمده به علل گوناگون از جمله دارا بودن چند کشور از این توانایی، موفقیت کامل تحصیل نشده است.^(۱)

کشورهای برخوردار از این توانایی، معاهدات دو یا چندجانبه‌ای برای کنترل بیشتر بر کلیه مراحل فرایند تولید، ذخیره‌سازی، توزیع و استفاده منعقد کرده‌اند که همچنان دارای کاستی‌های متعددی است. بسیاری در جهان از پیوند^۱ میان این دانش

1. Link

و فناوری و مقولات امنیتی ناراضی بوده و خواهان خلع سلاح کامل و پیوندزدایی^۱ از آنها هستند.

با گسترش بُرد و توان تخریبی موشک‌های حمل‌کننده این تسلیحات و همچنین امکان حمل توسط هواپیما، کشتی و زیردریایی، امنیت جهانی پیوند وثیقی با این تسلیحات و ابزارهای حمل آن پیدا کرده است. ادعا می‌شود^(۲) به دلیل قدرت تخریبی فراوان این سلاح‌ها، استفاده از آن برای بازیگران بین‌المللی (دولت‌ها) بسیار پرهزینه است. *والتز* معتقد است وجود و افزایش سلاح‌ها، ضرورتاً به کاهش سطح امنیتی منجر نشده اما سیگن اعتقاد دارد وجود و افزایش سلاح‌ها موجب کاهش امنیت می‌شود،^(۳) *بوزان*^(۴) و *شلزینگر*^(۵) وجود سلاح‌ها را واقعیتی جهانی دانسته که از صحنه امنیت بین‌الملل حذف‌ناشدنی است و لذا تنها باید آنها را کنترل و مدیریت کرد. هدف اولیه هر واحد سیاسی در نظام جهانی اصل بقا در نظر گرفته می‌شود. مفروض دیگر ادعا این است که دولت‌ها در تحلیل نهایی عقلانی عمل می‌کنند یعنی بقای خود را به هر هدف دیگری ترجیح می‌دهند و دست به عملی نمی‌زنند که نابودی خود را به دنبال داشته باشد. البته فریب و ارزیابی اغراق‌آمیز از توانایی کشورها امر متعارف یدر روابط بین‌المللی است. بر اساس «دریافت‌های تهدید»^۲ از کشور هدف، ارزیابی اغراق‌آمیز از توانایی آن کشور امری دور از ذهن نیست. به دلیل ویژگی فریب و ارزیابی اغراق‌آمیز، دریافت غیرواقعی^۳ از نیت یکدیگر در بین کشورها امری رایج بوده و رفع این دریافت غیرواقعی و سوء تفاهم از ضرورت‌های جهان امروز است. تأسیس نظام‌های راستی‌آزمایی^۴، سازوکارهای اعتمادسازی^۵، ائتلاف‌سازی^۶ با کشورهای دیگر، «موازنه‌سازی»^۷ و «دنباله‌روی»^۸ از جمله راه‌کارهایی بوده که کشورها برای حل یا مدیریت این مشکل به کار بسته‌اند.

1. De-linking
2. Threat Perceptions
3. Misperception
4. Verification System
5. Confidence Building
6. Coalition Making
7. Balancing
8. Bandwagoning

به طور کلی، کشورهای دارای سلاح هسته‌ای در مقابل کشورهای بی‌سلاح هستند، از سطحی از بازدارندگی برخوردارند و امنیتشان به نحوی با این سلاح‌ها پیوند خورده است. وجود سلاح‌های هسته‌ای در آرایش دفاعی این کشورها از جایگاه خاصی برخوردار است. امروزه به دلیل معاهدات بین‌المللی و فشار افکار عمومی جهانی و هزینه‌های فراوان کاربرد این سلاح‌ها، امکان استفاده از آنها به شدت پایین آمده است. معاهده عدم اشاعه^۱ که مهم‌ترین سند بین‌المللی در این زمینه است، تضمین‌کننده دسترسی به این توانایی و تنظیم‌کننده چگونگی استفاده از آن است.

دارا بودن کشورهای هرچند معدود از توانایی‌های هسته‌ای موجب شده نظریه‌های امنیتی متفاوتی تدوین شود که به تبیین نقش این تسلیحات در تأمین و تولید امنیت پرداخته و دکترین‌های امنیتی، نظامی و دفاعی‌ای فرموله شده که حاوی راهکارهای متفاوتی برای آرایش امنیتی و استفاده احتمالی است. دکترین هسته‌ای که برای سالیان متمادی دکترین مسلط در حوزه امنیت جهانی بوده، بر مبنای «توانایی وارد آوردن ضربه اول»^۲ و نتایج نامعلوم و احتمالاً معدوم شدن دولت‌های درگیر قرار دارد. این عدم اطمینان از تبعات، موجب می‌شود کشورهای دارای سلاح هسته‌ای آنها را علیه یکدیگر استفاده نکنند و با تدابیری چون «هشدار زودهنگام»^۳، «خط قرمز» یا تلفن مستقیم رهبران^۴ و غیره احتمال حمله هسته‌ای را کاهش دهند. دکترینی که اکنون دیدگاه غالب است «مد»^۵ (نابودی قطعی طرفین) نامیده می‌شود و بر نابودی مسلّم طرف استفاده‌کننده اولیه از سلاح تکیه می‌کند چراکه طرف مقابل از «توانایی وارد آوردن ضربه دوم»^۶ برخوردار است و می‌تواند پس از مورد اصابت قرار گرفتن توسط سلاح‌های هسته‌ای، طرف مقابل را نابود کند. بنابراین دولت‌ها که بازیگران عاقل محسوب می‌شوند از این سلاح‌ها استفاده نمی‌کنند چراکه نابودی خود را حتمی می‌دانند.

-
1. Non Proliferation Treaty (NPT)
 2. First Strike Capability
 3. Early Warning System
 4. Hot Line
 5. Mutually Assured Destruction (MAD)
 6. Second Strike Capability

دکترینی که اکنون مورد بحث سیاست‌گذاران و اندیشمندان حوزه امنیت جهانی قرار دارد گونه جدیدی از دکترین «ابتکار دفاع استراتژیک»^۱ است. این دکترین اگرچه مدعی است این ابتکار از ماهیت دفاعی برخوردار است، اما در تحلیل نهایی کارکرد تهاجمی داشته و به دور جدیدی از مسابقه تسلیحاتی دامن می‌زند، زیرا قدرت‌های دیگر را به گسترش کمی و کیفی ناوگان موشکی خود به منظور نفوذ در سپر دفاعی طرف مقابل، ترغیب می‌سازد.

در برنامه هسته‌ای توانمندی‌های چهارگانه‌ای وجود دارد که شامل «بهره‌مندی صلح‌آمیز» با مصارف انرژی، پزشکی و علمی، «توانایی قانونمند»^۲، «توانایی کامل»^۳ هسته‌ای و «دستیابی به سلاح هسته‌ای» است. کشورها بر اساس موقعیت ژئوپلیتیک، محیط امنیتی، تهدیدها، توان ملی، جایگاه قدرت، سطح توسعه و رشد اقتصادی و سیاسی و همچنین تجربه‌ها و باورهای ایدئولوژیک خود، دست به انتخاب یکی از گزینه‌ها می‌زنند:

به‌طورکلی «توانایی» تسلیحات هسته‌ای به سه بخش مجزا قابل تقسیم است:

الف - اشراف و تحصیل دانش و فناوری کل مراحل غنی‌سازی اورانیوم؛

ب - توانایی در سیستم حمل (موشک‌ها)؛

ج - توانایی در ساخت کلاهک هسته‌ای.

طبق قرائن متعارف قوانین بین‌المللی، دو بخش نخست در حیطه اقدامات قانونی و بخش سوم در حوزه فعالیت‌های غیرقانونی قرار می‌گیرد. بدین ترتیب «توانایی کامل» سلاح هسته‌ای هر سه مورد فوق را دربرمی‌گیرد حال آنکه «توانایی قانونمند» سلاح هسته‌ای صرفاً دو مورد اول را که مجاز است شامل می‌شود و وارد حوزه غیرمجاز و غیرقانونی که همان ساخت کلاهک هسته‌ای است، نمی‌شود.

بسیاری از کشورها برنامه هسته‌ای خود را با هدف بهره‌مندی از کاربرد انرژی پیش برده‌اند. برخی همچون ژاپن و آلمان دارای «توانایی قانونمند» سلاح هسته‌ای هستند چراکه هنوز به دنبال ساخت کلاهک هسته‌ای نرفته‌اند و تعدادی دیگر

1. Strategic Defence Initiative (SDI)
2. Lawful Capability
3. Full Capability

همچون افریقای جنوبی در دوران آپارتاید و اوکراین دارای «توانایی کامل» هستند. همچنین پنج کشور اجازه دارند تا تحت پیمان عدم اشاعه از سلاح هسته‌ای برخوردار باشند. دولت‌های مجاز به داشتن سلاح هسته‌ای^۱ شامل فرانسه، چین، روسیه، بریتانیای کبیر و ایالات متحده آمریکا هستند که در زمان عقد این پیمان به سلاح هسته‌ای دست یافته بودند. اسرائیل، هند، پاکستان و کره شمالی نیز دارای سلاح هسته‌ای هستند.

محیط امنیتی ایران و برنامه هسته‌ای

ایران برنامه هسته‌ای خود را در سال ۱۹۶۰، در زمان رژیم شاه آغاز کرد و در سال ۱۹۷۴ بر مبنای این برداشت که نفت منبعی تمام‌شدنی است، وارد یک توافق‌نامه تجاری با فرانسه شد.^(۶) در آن زمان ایالات متحده از این ابتکار حمایت کرد. در عین حال، همیشه این مسئله که آیا ایران باید به دنبال توانمندی هسته‌ای با اهداف صرفاً علمی و پزشکی و انرژی و یا به همراه ابعاد تسلیحاتی باشد، مورد بحث بوده است. در دهه اخیر با پُررنگ‌تر شدن برنامه هسته‌ای ایران این بحث‌ها و مناظرات اهمیت بیشتری یافته است. برخی معتقدند محیط امنیتی ایران به گونه‌ای است که پیگیری برنامه هسته‌ای ایران، دستیابی به سلاح هسته‌ای را به یک ضرورت تبدیل ساخته، درحالی‌که عده‌ای دیگر با استناد به جنس تهدیدهای امنیتی ایران اساساً پاسخ به آن را در برخورداری از تسلیحات هسته‌ای نمی‌دانند.^(۷)

محیط امنیتی پیرامون ایران چالش‌های متعدد و متنوعی را در خود جای داده است. در شمال، ثبات جنگ سرد جای خود را به کشمکش‌ها برای تصاحب منابع دریای خزر داد که تا اندازه زیادی به ضرر منافع سیاسی، اقتصادی ایران تمام شده است.^(۸) در شرق، رژیم خصمانه طالبان جایگزین افغانستان تحت اشغال شوروی شد و در حال حاضر نیز این کشور شاهد حضور نیروهای ایالات متحده است. پاکستان نیز اگرچه به لحاظ دیپلماتیک ظاهری دوستانه دارد، ولی از طالبان حمایت کرده، جنبش‌های افراطی ضد شیعه و ضد ایرانی را پناه داده و به تسلیحات هسته‌ای مسلح است. این مسائل در کنار حجم وسیع قاچاق مواد مخدر سبب شده تا

مرزهای شرقی به یکی از نگرانی‌های اصلی امنیت ملی کشور تبدیل شود. در غرب، ترکیه کشوری که عضو پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و دارای روابط نظامی مستحکمی با ایالات متحده است، قرار دارد. در سوی دیگر عراق است که پس از گذشت سال‌ها از سرنگونی صدام همچنان درگیر اختلافات، بی‌ثباتی و ناآرامی‌های داخلی و اقدامات تروریستی است. در خلیج فارس یعنی جایی که منابع ملی و استراتژیک ایران قرار دارد، کشور با ایالات متحده که پایگاه‌هایی در کویت، قطر، بحرین و عربستان سعودی دارد، روبه‌روست.^(۹)

در سه دهه گذشته، تحولات تاریخی مهم، زمینه‌های ملی، منطقه‌ای و جهانی ایران را بارها تغییر داده است: انقلاب اسلامی، جنگ عراق علیه ایران، سقوط اتحاد شوروی، حملات تروریستی یازده سپتامبر و حمله نظامی امریکا به افغانستان و عراق. انقلاب اسلامی ایران نه تنها درک داخلی از جهان خارج بلکه دیدگاه خارجیان نسبت به ایران را نیز تغییر داد. تهاجم عراق و قطع روابط با ایالات متحده از مهم‌ترین پیامدهای انقلاب ایران بود. سقوط اتحاد شوروی موقعیت ژئوپلیتیک ایران را تغییر داد، پوشش محدود جنگ سرد را حذف کرد و آسیب‌پذیری‌های بیشتری را متوجه ایران ساخت. ایران در شمال نیز با مشکلاتی مواجه شد که بر مشکلات سابق آن در مرزها و با همسایگانش افزود. حوادث یازده سپتامبر محیط منطقه‌ای ایران را یک بار دیگر تغییر داد ولی محیط امنیتی جانفرسای آن همچنان دست‌نخورده باقی ماند.

یکی از مشخصه‌های مهم برداشت ایران از نظام بین‌الملل، تهدیدها و آرایش قدرت‌های منطقه‌ای، عبارت است از تنهایی استراتژیک. این تنهایی در طی جنگ هشت‌ساله با عراق نمود زیادی داشت؛ یعنی زمانی که قدرت‌های مهم منطقه‌ای و جهانی از جمله ایالات متحده از صدام حسین و کاربرد تسلیحات شیمیایی از سوی او حمایت می‌کردند. این امر ذهنیتی را در ایران به وجود آورد که نمی‌توان به نهادها و اتحادیه‌های بین‌المللی اعتماد داشت و برای حفاظت و دفاع از کشور باید بر منابع داخلی، مادی و معنوی اتکا کرد. اگرچه هزینه‌های این خوداتکایی بسیار زیاد بوده، ولی حس اعتماد، افتخار ملی، توانایی برای حل بحران‌ها و توسعه داخلی منابعی را ایجاد کرده که در منطقه کم‌نظیر است. این ترکیب تنهایی، استقلال و

خوداتکایی تأکیدی است بر نگرش محتاطانه ایران در مقابله با درگیری‌های منطقه‌ای و همچنین مسائل بین‌المللی؛ از این رو برخی با چنین زمینه‌ای و همچنین با استناد به محیط ناامن پیرامون ایران و ضرورت خوداتکایی امنیتی، بحث نیاز به تسلیحات هسته‌ای را عنوان می‌کنند.^(۱۰)

دستیابی به تسلیحات هسته‌ای به عنوان ضرورت امنیتی کشور غالباً ناظر بر محیط متلاطم و پُرکشمکش خاورمیانه، تجربه‌های گذشته، باورهای ایدئولوژیک و دریافت تهدیدهاست. با توجه به محیط پُرخطر امنیتی ایران و فضای خصومت‌بار بین‌المللی علیه ایران چنین عنوان می‌شود که برخورداری از تسلیحات هسته‌ای با ایجاد توانایی بازدارندگی بالا می‌تواند حفظ تمامیت ارضی و امنیت و همچنین ارتقای جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی را برای ایران به ارمغان آورد و چنین دستاوردی می‌تواند بهترین انگیزه تلاش در پیگیری این مسیر باشد.

برای درک محیط امنیتی ملی ایران ذکر سه مسئله دارای اهمیت است. اول اینکه نیات و سیاست‌های ایران را باید با توجه به عقلانیت برگرفته از محیط ژئواستراتژیک تحمیل‌شده بر ایران مورد توجه قرار داد. دوم اینکه به‌رغم چهارچوب امنیتی چالشگر موجود، ایران نه تنها توانسته تمامیت ارضی و سیاسی خود را حفظ کند بلکه در عین حال توانسته زیرساخت‌های مهم و یک جامعه با ثبات را - بدون حمایت خارجی یا تسلیحات غیرمتعارف - ایجاد کند. سوم اینکه ایران همچنان مهم‌ترین پُل ارتباطی^۱ در خاورمیانه است.^(۱۱)

با وجود محیط امنیتی پُرنوسان پیرامون کشور، جمهوری اسلامی ایران چه در آغاز تشکیل حکومت اسلامی و در اوج بحران‌های داخلی و بین‌المللی و چه پس از گذشت بیش از سه دهه از انقلاب که استقرار و استحکام آن را بیشتر ساخته، همواره توانسته بدون چشم‌داشت به حمایت‌های خارجی و یا ابزارهایی چون تسلیحات هسته‌ای، بر مشکلات امنیتی خود فائق آید. واقعیت آن است که تحقق اهداف امنیتی ایران، لزوماً از طریق برخورداری از تسلیحات هسته‌ای متصور نیست و بعضاً در مواردی منجر به نقض اهداف خواهد شد. اساساً جنس تهدیدات پیرامونی ایران غالباً از نوعی است که بدون برخورداری از تسلیحات هسته‌ای قابل

کنترل و مرتفع شدن است. هرچند این امر مؤید بی‌نیازی از دستیابی به دانش، فناوری و توانایی تسلیحات هسته‌ای نیست اما دست کم توجیه ضرورت دستیابی به تسلیحات هسته‌ای به دلیل مشکلات امنیتی را مورد تردید قرار می‌دهد.

سلاح هسته‌ای و تعارض‌های امنیتی برای ایران

پیگیری برنامه هسته‌ای با هدف دستیابی به سلاح هسته‌ای، تعارض‌های امنیتی متعددی برای ایران به همراه دارد. دیدگاه‌های متفاوتی در داخل ایران نسبت به برنامه هسته‌ای وجود دارد که می‌توان آنها را به سه گروه عمده تقسیم کرد: حامیان دستیابی به انرژی هسته‌ای، حامیان توانایی تسلیحاتی هسته‌ای، و حامیان دستیابی به تسلیحات هسته‌ای. در ایران آخرین گروه، حامیان کمی دارد و اکثر ایرانیان از جمله نخبگان و مقامات دولتی از دیدگاه اول و دوم حمایت می‌کنند. در کنار دیدگاه‌های متفاوت موجود، دستیابی به سلاح هسته‌ای در سطوح تصمیم‌گیری نظام فاقد توجیه‌های لازم و کافی است. دلایل و عوامل متعددی در توضیح عدم خواست و تلاش ایران برای برخورداری از سلاح هسته‌ای وجود دارد که از آن جمله موارد زیر قابل ذکر است:

۱. خطر بروز مسابقه تسلیحاتی: دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای می‌تواند همسایگان ایران و سایر کشورهای منطقه را به پیمودن راهی مشابه ترغیب کند.^(۱۲) تلاش کشورهای منطقه در برخورداری از سلاح هسته‌ای می‌تواند به جای حرکت در مسیر منطقه‌ای عاری از تسلیحات هسته‌ای به منطقه‌ای ناامن و برخوردار از زرادخانه‌های هسته‌ای بدل سازد و بروز مسابقه تسلیحاتی را موجب شود.^(۱۳)

۲. از دست دادن برتری متعارف: در صورت دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای و انجام اقدام مشابه از سوی کشورهای منطقه و همسایگان، برتری متعارف ایران که برخاسته از وجود عناصری چون سلاح‌های متعارف، جمعیت، وسعت جغرافیایی، موقعیت ژئوپلیتیک و... است، کمرنگ خواهد شد.

۳. آسیب‌پذیری از ناحیه فقدان ساختار فرماندهی و شبکه ارتباطی پیشرفته: دستیابی به سلاح هسته‌ای به صورت موازی مستلزم برخورداری از توانایی دفاعی هسته‌ای نیز هست؛ حال آنکه نبود ساختار فرماندهی، کنترل و شناسایی پیشرفته

می‌تواند آسیب‌های جبران‌ناپذیری را متوجه کشور سازد. با توجه به آنکه وسیله احتمالی انتقال کلاهک‌های هسته‌ای موشک‌هایی است که در فاصله زمانی بسیار کم به هدف می‌رسند، در صورت دستیابی همسایگان ایران به سلاح هسته‌ای و وجود خواست و اراده‌ای مبنی بر استفاده از آن علیه ایران، این فاصله زمانی تنها به چند دقیقه کاهش می‌یابد. تشخیص آنکه آیا موشک‌ارسالی به سمت ایران حامل کلاهک هسته‌ای است یا خیر و در گام بعدی تصمیم‌گیری در خصوص چگونگی اقدام مقتضی در قبال آن، نیازمند وجود یک ساختار تشخیص و فرماندهی پیچیده است که نبود یا نقصان آن می‌تواند فاجعه‌بار و حکم کابوسی برای استراتژیست‌های کشور باشد.

۴. ظهور تروریسم هسته‌ای: علاوه بر خطر احتمال تلاش سایر کشورها برای دستیابی به تسلیحات هسته‌ای، خطر دستیابی گروه‌های افراطی و تروریست به این تسلیحات، تهدیدی مجزا و به مراتب خطرناک‌تر را به همراه دارد.^(۱۴) اگر ایالات متحده آمریکا با وجود فاصله جغرافیایی بسیار زیاد از محل استقرار القاعده و با داشتن تجهیزات پیچیده برای شناسایی این‌گونه تسلیحات در هراس است، پرواضح است که وجود القاعده یا سایر گروه‌های افراطی تروریست مجهز به تسلیحات هسته‌ای در مجاورت مرزهای جغرافیایی ایران، برای کشور خطری بزرگ‌تر و دفع آن واجب‌تر است. در واقع هم به لحاظ لجستیک و هم به لحاظ توجیه ایدئولوژیک، امکان استفاده از تسلیحات هسته‌ای علیه ما توسط گروه‌های افراطی بیشتر است.^(۱۵)

۵. نهادینه کردن حضور آمریکا در منطقه: برخورداری ایران از سلاح هسته‌ای می‌تواند منجر به احساس تهدید کشورهای کوچک منطقه از ایران و سوق دادن آنها به سمت نزدیکی بیشتر با ایالات متحده آمریکا شود و این امر می‌تواند موقعیت آمریکا در منطقه را تقویت و تثبیت کند. احتمال دارد کشورهای منطقه در نتیجه برداشت تهدید از ایران مجهز به تسلیحات هسته‌ای، به سمت تشکیل ائتلاف‌های نظامی منطقه‌ای با و یا بدون آمریکا حرکت کنند.^(۱۶)

۶. خطر غلبه دیدگاه ابتکار دفاع استراتژیک: استراتژیست‌ها و نخبگان ایران به‌خوبی واقف هستند که افزایش بُرد موشک‌ها و تسلیحاتی شدن برنامه هسته‌ای

ایران می‌تواند به تقویت دیدگاه معتقدان به دکترین «ابتکار دفاع استراتژیک» بیانجامد. این استراتژیست‌ها به خوبی آگاه هستند که غلبه این دیدگاه و عملیاتی شدن آن نه تنها امنیت ملی ایران را کاهش می‌دهد بلکه موجب افزایش ضربه‌پذیری ایران نیز می‌شود.

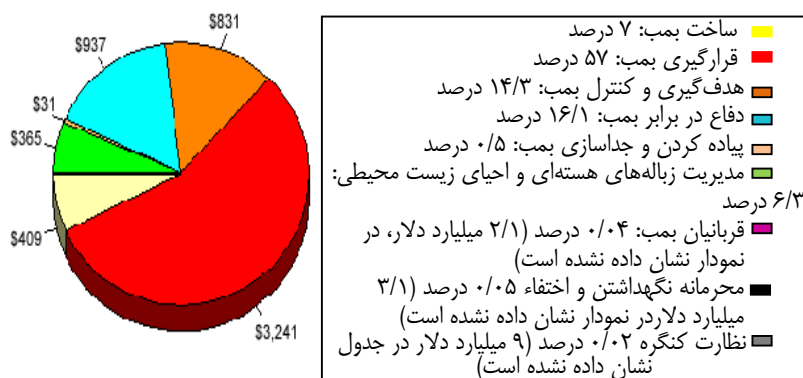
۷. آسیب‌پذیری از ناحیه هزینه‌های تولید و نگهداری تسلیحات هسته‌ای:

تولید و نگهداری سلاح‌های هسته‌ای، صرف هزینه‌های قابل ملاحظه‌ای را به همراه دارد. صرف هزینه بالا در این بخش، کاهش بودجه تخصیصی به سایر حوزه‌ها را به دنبال دارد که می‌تواند ضمن کاهش توان بخش‌های دیگر، تضعیف بنیه اقتصادی کل کشور را موجب شود. امریکا امروز بزرگ‌ترین تولیدکننده و دارنده تسلیحات هسته‌ای در جهان است و دانستن واقعیت‌های تأسیسات و تسلیحات اتمی این کشور جالب و شگفت‌آور است. بنا بر تحقیق مؤسسه بروکینگز در سال ۱۹۹۸، ایالات متحده از ابتدای برنامه هسته‌ای خود تا سال ۱۹۹۶ حدود پنج‌ونیم تریلیون دلار صرف هزینه‌های مرتبط با سلاح‌های هسته‌ای کرده است. از این میان پروژه منهن^۱ که پروژه ابتدایی امریکا برای تولید بمب هسته‌ای بود، به تنهایی ۲۰ میلیارد دلار هزینه دربرداشت. به کلام دیگر برای هر بمب تولیدشده توسط این پروژه، پنج میلیارد دلار هزینه شد و این در حالی است که کل هزینه اختصاص‌یافته برای تولید انواع بمب، مین و نارنجک در طول جنگ جهانی دوم ۳۱/۵ میلیارد دلار^۲ بوده است.^(۱۷)

1. Manhattan Project

۲. لازم به ذکر است که ارقام یادشده بر اساس ارزش دلار در سال ۱۹۹۶ محاسبه شده است.

نمودار شماره ۱. هزینه‌های برنامه تسلیحاتی آمریکا از ۱۹۴۰ تا ۱۹۹۸



به نقل از:

<http://www.brookings.edu/projects/archive/nucweapons/figure1.aspx> (accessed July 27 2010).

۸. آسیب‌رسانی به روابط ایران با برخی بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی: دستیابی ایران به تسلیحات هسته‌ای می‌تواند روابط کشور با برخی بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی را متأثر سازد و منجر به آسیب‌رسانی و تیرگی روابط شود. احساس تهدید و خطر از جانب ایران می‌تواند سبب تغییر مناسبات در برخی سطوح و حوزه‌ها شود.^(۱۸) کشورهای عضو شورای همکاری خلیج (فارس)^۱ در نتیجه برداشت تهدید از ایران، در اولویت‌های امنیتی تجدید نظر کرده و به سمت خرید تسلیحات جدید و تقویت توان نظامی خود حرکت می‌کنند.^(۱۹)

۹. آسیب‌پذیری از ناحیه تحمیل هزینه‌های سیاسی - اجتماعی و بین‌المللی: دستیابی به سلاح هسته‌ای علاوه بر تضعیف توان اقتصادی کشور، محدودیت‌ها و تحریم‌های بین‌المللی را نیز بر کشور تحمیل می‌کند.^(۲۰) این امر از یک سو می‌تواند منجر به نارضایتی‌های اجتماعی و داخلی شود و از سوی دیگر به افزایش پتانسیل منازعه در منطقه و احتمال تشدید فشارهای بین‌المللی بیانجامد.^(۲۱) اعمال تحریم‌های سیاسی، اقتصادی و بین‌المللی در کنار ضعف اقتصادی داخلی با تحت تأثیر قرار دادن زندگی مردم می‌تواند فشارها را بر دولت ایران افزایش داده و کنترل شرایط و پیامدها را دشوار سازد.^(۲۲)

۱۰. تجربیات گذشته ایران به مثابه عاملی بازدارنده: ایران خود یکی از

قربانیان تسلیحات شیمیایی است و در دوران جنگ تحمیلی و به دنبال استفاده عراق از سلاح‌های نامتعارف و شیمیایی، آسیب دیده است. ایران در جنگ با عراق (۱۹۸۸-۱۹۸۰) به تنهایی با کشوری می‌جنگید که حمایت سیاسی کشورهای مهم در جهان عرب و غرب از جمله ایالات متحده را پشت خود داشت. به لحاظ تجهیزات نظامی، روسیه، چین و فرانسه میلیاردها دلار تسلیحات به عراق فروختند، دولت‌های عربی تأمین‌کننده منابع مالی بودند و ایالات متحده نیز تصاویر ماهواره‌ای و دیگر کمک‌ها را به عراق ارسال می‌کرد. مهم‌ترین نکته قابل توجه در این بحث عبارت است از کاربرد تسلیحات کشتار جمعی^۱ - در این مورد تسلیحات شیمیایی - بر ضد ایرانیان و نیز کردهای بومی عراق. شماری از صاحب‌نظران و روزنامه‌نگاران برآورد می‌کنند که ده‌ها هزار ایرانی در زمان جنگ به واسطه استفاده عراق از تسلیحات شیمیایی جان خود را از دست داده‌اند. ایرانیان استفاده از تسلیحات کشتار جمعی در جنگ را «خط قرمز» می‌دانستند که نباید از آن عبور کرد. اما متوجه شدند که با تداوم استفاده از تسلیحات شیمیایی علیه ایرانیان، جامعه بین‌المللی و در رأس آن غرب استفاده از این تسلیحات توسط رژیم صدام را نادیده گرفته و یا از آن حمایت می‌کنند.^(۳۳) با وجود چنین تجربه‌ای، نه دستیابی کشورها به تسلیحات هسته‌ای بلکه کمک و تلاش برای ایجاد یک منطقه عاری از تسلیحات هسته‌ای، مطلوبیت بیشتری نزد حکومت و ملت ایران دارد و امنیت کشور و منطقه را بیشتر تضمین خواهد کرد.

۱۱. مخالفت‌های داخلی: نقش و وزن مخالفان داخلی دستیابی به تسلیحات هسته‌ای در ایران قابل اغماض نیست. افراد، گروه‌ها و جریان‌های متفاوتی در بدنه حکومت و جامعه به عنوان اهرمی پُرفشار با دستیابی به تسلیحات هسته‌ای مخالفت می‌ورزند که عبور از آنها برای حکومت دشوار و پُرهزینه خواهد بود. گروه‌های متفاوتی در ایران وجود دارند که برخی از ضرورت برخورداری ایران از انرژی هسته‌ای و برخی از دستیابی به سلاح هسته‌ای حمایت می‌کنند، اما حامیان سلاح هسته‌ای در ایران در اقلیت هستند و اکثریت بدنه حکومت و جامعه با آن مخالفت می‌ورزند. فضای داخلی کشور و افکار عمومی اساساً پذیرای نگرش دستیابی به

سلاح هسته‌ای نیست. این عامل خود به مثابه مانعی پُر قدرت به شمار می‌رود.^(۲۴)

۱۲. منع شرعی دستیابی به تسلیحات هسته‌ای: طبق تفاسیر ارائه شده از اسلام، تولید، ذخیره‌سازی و استفاده از سلاح‌های هسته‌ای منع شرعی دارد و لذا جمهوری اسلامی ایران اساساً به دلیل وجود مغایرت شرعی نمی‌تواند دستیابی به سلاح هسته‌ای را به عنوان هدف برنامه‌های هسته‌ای خود قرار دهد. بر اساس چنین تفاسیری از اسلام، تسلیحات کشتار جمعی در ایران حرام است. همچنین این مسئله که تحصیل سلاح‌های هسته‌ای مغایر آموزه‌های اسلامی است بارها از سوی رهبری جمهوری اسلامی به صراحت مطرح شده است: «به اعتقاد ما افزون بر سلاح هسته‌ای، دیگر انواع سلاح‌های کشتار جمعی، نظیر سلاح شیمیایی و سلاح میکروبی نیز تهدیدی جدی علیه بشریت تلقی می‌شوند. ملت ایران که خود قربانی کاربرد سلاح شیمیایی است، بیش از دیگر ملت‌ها خطر تولید و انباشت این گونه سلاح‌ها را حس می‌کند و آماده است همه امکانات خود را در مسیر مقابله با آن قرار دهد. ما کاربرد این سلاح‌ها را حرام و تلاش برای مصونیت بخشیدن ابنای بشر از این بلای بزرگ را وظیفه همگان می‌دانیم.»^(۲۵)

۱۳. خواست و تعهد ایران نسبت به عدم اشاعه تسلیحات: ایران نه تنها به معاهده عدم اشاعه تسلیحات هسته‌ای پایبند است بلکه خواست و منفعت آن نیز در گروی دامن نزدن به اشاعه تسلیحات است. بر این اساس تلاش برای دستیابی به سلاح هسته‌ای مطلوب نظر جمهوری اسلامی ایران نیست. برخورداری از تسلیحات هسته‌ای، سطح ناامنی را در منطقه و جهان افزایش می‌دهد. از این رو نه تنها کشورهای که تمایلاتی مبنی بر کسب سلاح هسته‌ای دارند باید از این اقدام منصرف شوند، بلکه کشورهایی که در حال حاضر دارای چنین تسلیحاتی هستند باید به سمت کاهش و حذف آن گام بردارند. حرکت در این مسیر می‌تواند چشم‌انداز جهانی امن‌تر را ترسیم سازد.^(۲۶)

۱۴. سلب فرصت‌ها و امتیازات: با توجه به فضای بین‌المللی منفی علیه برنامه هسته‌ای ایران، در صورت دستیابی به تسلیحات هسته‌ای نه تنها اقدامات محرومیت‌زا پیرامون ایران عملی می‌شود بلکه بسیاری از فرصت‌ها، امتیازات و منفعت‌هایی که در صورت پیمودن راهی غیر از آن می‌توانست برای کشور حاصل شود، سلب

می‌شود. امروزه کشورها به دلیل وجود وابستگی متقابل عملاً نمی‌توانند مستقل و بی‌نیاز از سایر کشورها مسیر رشد و توسعه را طی کنند. به‌ویژه درهم‌تنیدگی اقتصاد جهانی منجر به پیدایش شبکه پیچیده‌ای از روابط سیاسی - اقتصادی میان بازیگران عرصه جهانی شده و روابط سیاسی و مناسبات اقتصادی کشورها را کاملاً از یکدیگر متأثر ساخته است. در چنین شرایطی تنش در سیاست خارجی و بازیگری نامطلوب در عرصه بین‌المللی برای هر کشوری می‌تواند علاوه بر چالش‌های سیاسی، تنگنای اقتصادی به بار آورد. به هر میزان که فضای سیاسی میان یک کشور با محیط بین‌الملل تیره شود و آن کشور به سمت انزوا سوق داده شود، میزان محرومیت از فرصت‌های سیاسی و اقتصادی نیز کاهش خواهد یافت. برخورداری ایران از سلاح هسته‌ای، مناسبات سیاسی - اقتصادی کشور با سایر بازیگران بین‌المللی را متأثر می‌سازد. اعمال محدودیت در مبادلات تجاری و مناسبات اقتصادی با ایران در قالب صدور قطعنامه یا وضع مقررات می‌تواند ایران را از بسیاری از منافع ناشی از خرید و فروش‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها محروم سازد که از آن جمله می‌توان به ناتوانایی در تأمین و خرید تجهیزات نظامی، هواپیماهای مسافربری، فرآورده‌های سوختی و فروش نفت و سایر محصولات صادراتی یا کاهش حجم سرمایه‌گذاری خارجی اشاره کرد.

با توجه به مطالب یادشده و با محاسبه هزینه - فایده چنین رویکردی، دستیابی به تسلیحات هسته‌ای به‌سختی می‌تواند گزینه مطلوب حکومت باشد.

اهداف اصلی جمهوری اسلامی ایران از پیگیری برنامه هسته‌ای

جمهوری اسلامی ایران در برنامه هسته‌ای خود اهدافی را دنبال می‌کند که تأمین آنها ضرورتاً از طریق دستیابی به سلاح هسته‌ای تأمین نمی‌شود و چه‌بسا تلاش برای دستیابی به سلاح هسته‌ای نیل به اهداف را دشوارتر و حوزه‌های آسیب‌پذیری کشور را افزایش می‌دهد. از این‌رو آنچه می‌تواند ضمن تحصیل منافع و اهداف تعیین‌شده جایگزین گزینه دستیابی به سلاح هسته‌ای شود، تلاش برای کسب «توانایی قانونمند» هسته‌ای است. هرچند در این میان دستیابی به «توانایی کامل» سلاح هسته‌ای نیز مطرح است اما در ادامه توضیح داده خواهد شد که آنچه

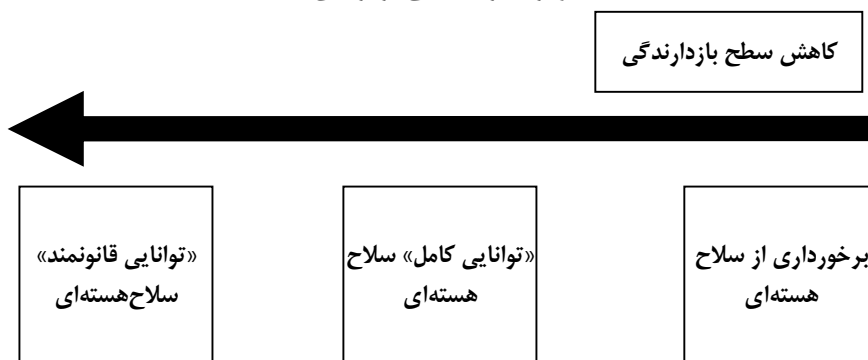
تأمین اهداف را با هزینه‌ای کمتر میسر می‌سازد «توانایی قانونمند» است و نه «توانایی کامل».

با توجه به تعاریف ارائه‌شده در خصوص «توانایی کامل» و «توانایی قانونمند» هسته‌ای در بخش چهارچوب مفهومی، این پرسش اساسی مطرح می‌شود که کدام یک از توانایی‌های مذکور می‌تواند اهداف زیر در برنامه هسته‌ای ایران را با کمترین هزینه و بیشترین فایده محقق سازد؟ در ادامه ظرفیت‌های این دو گزینه در تأمین اهداف بررسی می‌شود:

۱. بازدارندگی: ایجاد بازدارندگی به منظور افزایش سطح امنیت کشور و کاهش تهدیدها، با وجود محیط ناامن پیرامونی و وجود کشورهای دارای سلاح هسته‌ای از جمله هند، پاکستان و اسرائیل از اهمیت بالایی برخوردار است. «توانایی کامل» سلاح هسته‌ای قادر است تا درجه قابل ملاحظه‌ای از بازدارندگی را ایجاد کند. البته باید توجه داشت که «توانایی کامل» هسته‌ای به معنای برخورداری از سلاح هسته‌ای نیست و از مرحله توانایی کامل سلاح هسته‌ای تا مرحله ساخت و برخورداری از سلاح هسته‌ای فاصله وجود دارد.

کسب «توانایی قانونمند» هسته‌ای نیز قادر به ایجاد بازدارندگی است؛ هرچند در سطحی نازل‌تر متبلور می‌شود. نکته مهم دیگر آنکه کسب «توانایی قانونمند» هسته‌ای امکان و احتمال ترغیب همسایگان و سایر کشورهای منطقه برای به دست آوردن آن را کاهش می‌دهد.

نمودار شماره ۲. سطح بازدارندگی



۲. ارتقای شأن و منزلت داخلی و خارجی: ارتقای شأن و منزلت در بُعد داخلی ناظر به تقویت غرور و عزت ملی نزد ایرانیان و در بُعد خارجی متوجه تقویت قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران است.

کسب «توانایی کامل» و «توانایی قانونمند» هسته‌ای، هر دو موجب ارتقای منزلت داخلی و ایجاد احساس غرور و عزت ملی می‌شود و بالندگی ایرانیان را به همراه می‌آورد،^(۳۷) اما در بُعد خارجی «توانایی کامل» هسته‌ای بیشتر منجر به افزایش قدرت سخت می‌شود. حال آنکه «توانایی قانونمند» هسته‌ای قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران را افزایش می‌دهد. البته باید توجه داشت که افزایش قدرت نرم در هریک از توانایی‌ها ذکر شده، مخاطبان متفاوتی را دربرمی‌گیرد. افزایش قدرت نرم به دنبال کسب «توانایی کامل» هسته‌ای، بیشتر متوجه مردم منطقه، مسلمانان و به‌طورکلی گروه‌هایی است که از جانب غرب و امریکا احساس حقارت و استضعاف دارند، درحالی‌که افزایش قدرت نرم در «توانایی قانونمند» بیشتر متوجه نخبگان جهان و مراکز قدرت است.

۳. ارتقای سطح توسعه: توسعه و پیشرفت کشور به عنوان یکی از اهداف اصلی برنامه هسته‌ای کشور از عوامل متعددی تأثیرپذیر است. در واقع بسته به آنکه برنامه هسته‌ای در چه سطحی و با چه رویکردی دنبال شود می‌تواند به روند توسعه‌ای کشور کمک و یا در آن اختلال ایجاد کند.

کسب «توانایی قانونی» هسته‌ای علاوه بر آنکه به لحاظ علمی دریچه‌های جدیدی را در عرصه دانش و فناوری می‌گشاید و توان و ظرفیت علمی کشور را ارتقا می‌دهد، به خاطر قرار گرفتن در چهارچوب‌های مجاز و قانونی می‌تواند سبب کاهش و حذف فشارهای بین‌المللی، تهدیدها و تحریم‌ها علیه ایران شود و به تبع آن زمینه‌های رشد و توسعه را فراهم آورد. درحالی‌که کسب «توانایی کامل» هسته‌ای با وجود آنکه به رشد علمی کشور کمک می‌کند اما به طرق دیگر می‌تواند روند توسعه را با مشکل روبه‌رو سازد. نخست آنکه با تمرکز بر دستیابی به «توانایی کامل» هسته‌ای، منابع مادی و اقتصادی قابل ملاحظه‌ای مصروف می‌شود که با توجه به محدودیت منابع، اختصاص منابع بیشتر به یک حوزه کمبود تخصیص منابع در حوزه‌های دیگر را به همراه می‌آورد.

دوم آنکه از آنجا که «توانایی کامل» هسته‌ای، ساخت کلاهدک هسته‌ای (وجه غیرقانونی) را نیز دربرمی‌گیرد، موضع‌گیری‌ها و فشارهای خارجی علیه ایران را افزایش می‌دهد که به دلیل انزوای ایران و محدود شدن دریچه‌های تعامل و تبادل با محیط بین‌الملل، فرصت‌های سیاسی و اقتصادی را که می‌تواند به شکوفایی اقتصاد و توسعه کشور بیانجامد، محدود می‌کند؛ بنابراین کسب «توانایی قانونمند» در قیاس با «توانایی کامل» هسته‌ای، تحصیل هدف ارتقای سطح توسعه کشور را بیشتر محتمل می‌سازد.

۴. نقش‌آفرینی در قالب بازیگر فعال منطقه‌ای و بین‌المللی و کسب جایگاه شایسته: یکی از اهداف برنامه هسته‌ای ایران کسب جایگاه شایسته منطقه‌ای و بین‌المللی و ایفای نقش بازیگر فعال است. پیشرفت در برنامه هسته‌ای، با افزودن بر قدرت ایران می‌تواند جایگاه و بازیگری ایران را در سطح منطقه و جهان تغییر دهد. کسب «توانایی کامل» و «توانایی قانونمند» هسته‌ای، هر دو به دلیل افزایش قدرت ایران می‌توانند جایگاه ایران را ارتقا دهند، اما کسب «توانایی قانونمند» هسته‌ای در قیاس با «توانایی کامل» از آنجا که تعهد و پایبندی کشور به اصول و قوانین بین‌المللی را نشان می‌دهد و احتمالاً مخالفت‌ها و موضع‌گیری‌های خصمانه کمتری در سطح جهانی دارد، امکان بیشتری به ایران می‌دهد تا فعالانه‌تر و مسئولانه‌تر در عرصه خارجی حضور یابد. حال آنکه کسب «توانایی کامل» هسته‌ای احتمال به انفعال کشاندن بازیگری ایران را افزایش می‌دهد.

۵. افزایش قدرت «جهان اسلام»: توانمند کردن امت اسلام همواره یکی از اهداف اصلی جمهوری اسلامی ایران بوده است. رهیافت ایدئولوژیکی مسلط در ایران که به نوعی ترکیب دو گرایش اسلام انقلابی و ملی‌گرایی ایرانی است عبارت است از دیدگاه ام‌القراایی. از این نظر، ایران ام‌القراای جهان اسلام محسوب می‌شود و رهبری امت اسلامی را در دست دارد. دفاع از ام‌القرا در مقابل تهاجم استکبار جهانی وظیفه هر فرد مسلمان است.^(۲۸) نگرش صرف از این زاویه شاید ممانعتی در دستیابی به سلاح هسته‌ای ایجاد نکند اما نکته مهم در اینجا است که تفسیر مسلط از اسلام تولید، نگهداری و استفاده از تسلیحات هسته‌ای را در تناقض با اصول اسلام می‌داند؛ بنابراین طبق اصول اسلام، تسلیحات کشتار جمعی در ایران حرام تلقی

می‌شود. مغایرت تحصیل سلاح‌های هسته‌ای با آموزه‌های اسلامی بارها از سوی رهبری جمهوری اسلامی به‌صراحت مطرح شده است.

بر این اساس کسب «توانایی قانونمند» هسته‌ای ضمن آنکه مغایر گفتمان دینی یادشده نیست، در قیاس با «توانایی کامل» هسته‌ای، با هزینه کمتری قادر به تأمین هدف افزایش قدرت جهان اسلام خواهد بود؛ بنابراین و با توجه به مطالب یادشده باید گفت کسب «توانایی قانونمند» در قیاس با «توانایی کامل»، با هزینه کمتری قادر به تأمین اهداف پنج‌گانه برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران خواهد بود. جدول ۱، این مقایسه را به تصویر می‌کشد.

جدول شماره ۱. مقایسه «توانایی قانونمند» و «توانایی کامل» در تأمین اهداف پنج‌گانه برنامه هسته‌ای

جمهوری اسلامی ایران

| اهداف | نوع توانایی | «توانایی کامل» | «توانایی قانونمند» |
|--|---|---|---|
| بازدارندگی | بازدارندگی بیشتر | بازدارندگی کمتر | |
| ارتقای شأن و منزلت داخلی - خارجی | داخلی: افزایش غرور و عزت ملی خارجی: افزایش بیشتر قدرت سخت نسبت به قدرت نرم (نیروهای هدف در قدرت نرم: برخی مسلمانان و مردم منطقه یا گروه‌هایی که به نوعی احساس حقارت و استضعاف را در نتیجه عملکرد غرب و امریکا تجربه کرده‌اند) | داخلی: افزایش غرور و عزت ملی خارجی: افزایش قدرت سخت نسبت به قدرت نرم (نیروهای هدف در قدرت نرم: برخی مسلمانان و مردم منطقه یا گروه‌هایی که به نوعی احساس حقارت و استضعاف را در نتیجه عملکرد غرب و امریکا تجربه کرده‌اند) | داخلی: افزایش غرور و عزت ملی خارجی: افزایش قدرت نرم (نیروهای هدف در قدرت نرم: نخبگان دنیا و مراکز قدرت) |
| ارتقای سطح توسعه | توسعه کمتر | توسعه بیشتر | |
| نقش‌آفرینی در قالب بازیگر فعال منطقه‌ای و بین‌المللی و کسب جایگاه شایسته | ارتقای جایگاه ایران امکان‌دهی کمتر برای ایفای نقش بازیگر فعال و مسئول | ارتقای جایگاه ایران امکان‌دهی بیشتر برای ایفای نقش بازیگر فعال و مسئول | ارتقای جایگاه ایران؛ امکان‌دهی بیشتر برای ایفای نقش بازیگر فعال و مسئول |
| افزایش قدرت جهان اسلام | افزایش قدرت جهان اسلام با هزینه بیشتر | افزایش قدرت جهان اسلام با هزینه کمتر | |

پیامدهای مثبت تمرکز بر کسب «توانایی قانونمند»

تمرکز بر کسب «توانایی قانونمند»، تحقق موارد تعیین شده‌ای را دنبال می‌کند (اهداف) و موارد از پیش تعیین نشده‌ای را نیز به دنبال می‌آورد (پیامدها). از جمله پیامدهای مثبت حرکت در مسیر کسب «توانایی قانونمند» می‌توان به مسائل زیر اشاره کرد:

۱. ارائه چهره دولت قانونمند و مسئول: با تفکیک مراحل قانونی و غیرقانونی در مسیر کسب توانمندی هسته‌ای و اعلام تعهد ایران مبنی بر فعالیت تا مرحله قانونی، تصویر یک دولت متعهد، مسئول و قانونمند را ارائه می‌دهد. در واقع باید گفت توانایی، تعهد را نیز به همراه می‌آورد و توانایی قانونمند، تعهد و مسئولیت را با عنصر اطمینان بخشی همراه می‌سازد. این برداشت مثبت همچنین می‌تواند فضای منفی پیرامونی را به نفع ایران تغییر دهد. رفتارهای مسئولانه همراه با تعهد، عنصر قابل پیش‌بینی بودن را تقویت می‌کند. زمانی که اقدامات یک کشور، از درصد قابل قبولی از پیش‌بینی پذیری برخوردار باشد، اعتماد کشورها بدان افزوده می‌شود و این امر می‌تواند بسترساز مناسبی برای پیشبرد اهداف و بهبود و ارتقای مناسبات شود.

۲. خروج از نگرش سیاه و سفید به برنامه هسته‌ای ایران: آنچه غالباً و تاکنون چه از جانب ایران و چه از جانب غرب در قبال برنامه هسته‌ای ایران عنوان شده، گویای نگرشی سیاه و سفید به این مسئله است. غرب ایران را متهم می‌سازد که درصدد دستیابی به بمب اتمی و تسلیحات هسته‌ای است و ایران مکرراً تأکید می‌دارد که هدفی صلح‌آمیز و عموماً در حوزه انرژی و پزشکی را در برنامه هسته‌ای خود پیگیری می‌کند. اما واقعیت آن است که فرایند هسته‌ای، علاوه بر دو سر طیف یادشده مراحل و اهداف میانی متعددی را در درون خود جای داده است. این «اهداف میانی» می‌تواند شامل «توانایی قانونمند» و «توانایی کامل» سلاح هسته‌ای باشد که مسلماً هیچ‌یک به معنای برخورداری از سلاح هسته‌ای نیست و در اهداف پزشکی و انرژی نیز متوقف نمانده است. طرح منسجم «توانایی قانونمند» سلاح هسته‌ای از سوی جمهوری اسلامی ایران، بیانگر آن است که خواست ایران رسیدن به این هدف میانی است؛ بنابراین تبیین این خواست به خروج از نگرش سیاه و سفید به برنامه هسته‌ای، چه در داخل و چه در خارج کمک می‌کند.

۳. خطر مسابقه تسلیحاتی: از آنجا که کسب «توانایی قانونمند» هسته‌ای تا کسب «توانایی کامل» هسته‌ای فاصله دارد و با برخورداری از سلاح هسته‌ای فاصله‌ای به مراتب بیشتر دارد، احتمال تحریک سایر کشورهای منطقه در جهت تلاش برای دستیابی به سلاح هسته‌ای کمتر خواهد بود. در واقع از آنجا که برداشت تهدید آنها از محیط منطقه‌ای و امنیتی خود، متأثر از نوع توانمندی‌های کشورهای منطقه است، بنابراین در صورت عدم برداشت تهدید جدی، تمایل آنها به صرف هزینه در بخش تسلیحات هسته‌ای کمتر می‌شود. این امر کاهش خطر بروز مسابقه تسلیحاتی در منطقه را به همراه خواهد داشت.

۴. تسری توانایی‌های علمی مدیریت ساختارهای پیچیده به سایر حوزه‌ها: برخورداری از توانایی‌های علمی و مدیریتی ساختارهای پیچیده از آثار مثبت کسب «توانایی قانونمند» سلاح هسته‌ای محسوب می‌شود. این توانایی مسلماً در حوزه هسته‌ای محدود نخواهد ماند و به سایر بخش‌ها نیز تسری خواهد یافت و منشأ پیشرفت و کسب دستاوردهای نوین در حوزه‌های گوناگون خواهد شد.

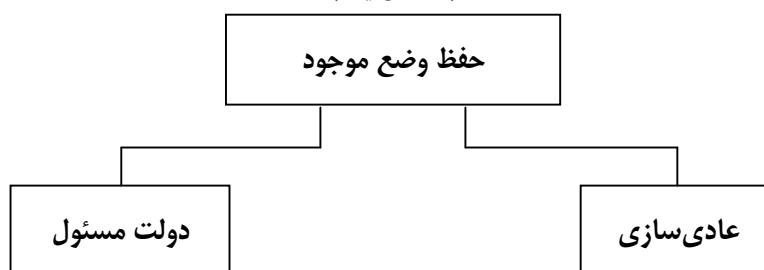
با توجه به قدرت‌یابی این انگاره ناصحیح که هدف برنامه هسته‌ای ایران را دستیابی به سلاح هسته‌ای تلقی می‌کند و برداشت تهدید ناشی از این پندار و گمانه‌زنی، این پرسش به میان می‌آید که استراتژی ایران در قبال غرب باید واجد چه مختصاتی باشد تا بتواند ضمن برون‌رفت از چالش هسته‌ای به اهداف خود هم در مقوله هسته‌ای و هم در سایر موارد دست یابد؟ پاسخ به این سؤال پس از بررسی اهداف میان‌مدت سیاست خارجی ایران ارائه خواهد شد.

اهداف میان‌مدت سیاست خارجی ایران

در حال حاضر برنامه هسته‌ای ایران مهم‌ترین فرصت بازیگری کشور در عرصه بین‌المللی تلقی می‌شود که استفاده از آن باید در راستای هدفی مشخص و با اتخاذ استراتژی صحیح انجام شود. علاوه بر اهداف پنج‌گانه گفته‌شده برای برنامه هسته‌ای ایران، اهداف کلی دیگری نیز وجود دارد که بازی به‌موقع در فرصت حاصله از برنامه هسته‌ای در تحقق آنها مؤثر خواهد بود. از جمله این اهداف، «حفظ وضع موجود» است. پس از حمله نظامی امریکا به افغانستان و سقوط طالبان و پس از

جنگ عراق و سرنگونی صدام موازنه منطقه‌ای به نفع ایران تغییر یافت و جایگاه و نقش منطقه‌ای ایران پررنگ‌تر شد. از آنجا که این تغییر موازنه به نفع ایران است لذا مصلحت جمهوری اسلامی ایران در «حفظ وضع موجود» است. رسیدن به این هدف میانی مستلزم تحقق دو هدف مرحله‌ای است: الف) عادی‌سازی^۱ و ب) نقش‌آفرینی در قالب دولتی مسئول^۲.

نمودار شماره ۳. اهداف میان‌مدت و مرحله‌ای سیاست خارجی ایران؛ هدف میان‌مدت (۱۵ سال آینده)



برای نیل به هدف میانی و اهداف مرحله‌ای، مناسب‌ترین استراتژی، «تعامل همه‌جانبه» با غرب خواهد بود که مقوله هسته‌ای و مجموعه‌ای دیگر از مسائل دوجانبه و چندجانبه را در خود جای می‌دهد. باید توجه داشت که «تعامل همه‌جانبه» با غرب، هدف جمهوری اسلامی ایران نیست بلکه استراتژی آن در تحقق اهداف است. در ادامه هر یک از اهداف مرحله‌ای و نیز استراتژی یادشده مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. **عادی‌سازی روابط با غرب:** به منظور عادی‌سازی روابط با غرب ابتدا باید تعریف مشخصی از مطالبات ایران در ازای همکاری‌ها با هدف عادی‌سازی روابط ارائه شود. در این راستا اولویت‌های جمهوری اسلامی ایران به قرار زیر است:

- لغو تحریم‌ها (چه از سوی سازمان ملل و چه خارج از آن)؛
- آزادسازی سرمایه‌های بلوکه‌شده ایران؛
- عدم حمایت از حرکت‌های ضد ایرانی (در قالب تشکیل ائتلاف‌ها، حمایت

1. Normalization
2. Responsible State

از قومیت‌گرایی، تجزیه‌طلبی و...)

- عدم مداخله در امور داخلی کشور؛
- به رسمیت شناختن نقش منطقه‌ای ایران؛
- شفاف‌سازی عملکرد پایگاه‌های نظامی امریکا در حوزه امنیتی ایران؛
- خروج مسئولانه و هماهنگ‌شده نیروهای امریکا از منطقه؛
- عملیاتی شدن مشوق‌های مطرح‌شده توسط ۵+۱.

۲. نقش‌آفرینی در قالب یک دولت مسئول: نقش‌آفرینی مسئولانه جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به تثبیت قدرت کشور یاری رساند و جایگاه ایران را در منطقه و جهان ارتقا دهد و پیگیری اهداف ملی را آسان‌تر و کم‌هزینه‌تر سازد. نقش‌آفرینی ایران در قالب یک دولت مسئول عمدتاً در محورهای زیر تبلور می‌یابد:

- کمک به حل مناقشات منطقه‌ای و تأسیس زیرساخت‌های لازمه؛
- تأمین امنیت انرژی به عنوان یکی از تولیدکنندگان مهم و عمده انرژی؛
- پایبندی به اصول و معاهدات بین‌المللی ضمن حفظ انتقادات و پیگیری آن از مجاری قانونی و عرف بین‌المللی؛
- پرهیز از ماجراجویی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی؛
- اتخاذ سیاست‌های تدریجی و محاسبه‌شده در شرایط تصمیم‌بر ایجاد تغییر.

استراتژی تعامل همه‌جانبه

روابط میان ایران و ایالات متحده با پُررنگ شدن برنامه هسته‌ای ایران وارد مرحله‌ای جدید و پیچیده‌تری شده است. امریکا با برداشت تهدید ناشی از هسته‌ای شدن ایران، سیاست‌های خود در قبال ایران را بر توقف و یا کنترل برنامه هسته‌ای ایران متمرکز ساخت. در این میان طیفی از گزینه‌ها مطرح شد که می‌توان آنها را در موارد زیر تقسیم‌بندی کرد: تعامل گزینشی^۱، مهار^۲، مهار به همراه تعامل گزینشی^۳، اقدام نظامی، و تعامل همه‌جانبه.^(۴)

در گزینه تعامل گزینشی تنها تعامل در خصوص موضوعی مشخص انجام

1. Selective Engagement
2. Containment
3. Containment + Selective Engagement

می‌پذیرد؛ از این رو بر حسب موضوع مورد تعامل این امکان وجود دارد که به نفع و یا به ضرر جمهوری اسلامی ایران باشد. به عبارت دیگر در صورتی که مسئله مورد تعامل از جانب غرب تعیین شود نتیجه آن می‌تواند به مصلحت کشور نباشد. به عنوان مثال مذاکره و تعامل صرف بر سر مسئله هسته‌ای یا فقط در مورد افغانستان یا عراق نمی‌تواند متضمن منافع ما باشد. این امر بدان معنی نیست که چنین مقولاتی در زمره مشکلات ما قرار ندارد بلکه بدین خاطر است که: (۱) برخی از این مقولات مشکل فوری امریکا است و نه ایران؛ (۲) مسئله‌ای همچون برنامه هسته‌ای ایران کارتی است که ایران را بازیگر جهانی نگاه می‌دارد و پتانسیل آن را دارد که مجموعه‌ای دیگر از مسائل مهم امنیتی، اقتصادی و سیاسی ایران را در کنار خود حل و فصل کند؛ بنابراین طیف مقولات معامله‌پذیر پیرامون آن نسبتاً گسترده است و تعامل‌گزینی به نوعی نادیده گرفتن این فرصت است.

البته نمی‌توان گزینه تعامل‌گزینی را به طور کامل کنار گذاشت. در واقع اگر ایران ارائه‌دهنده مورد‌گزینی باشد و آن بر اساس اولویت‌های اصلی و فوری خود طرح کند و یا حتی منافع دوجانبه در آن لحاظ شده باشد می‌تواند مصالح و گشایشی به همراه داشته باشد.

گزینه مهار از جانب غرب و به‌ویژه ایالات متحده در قالب اقداماتی نظیر اعمال تحریم‌ها (چه از جانب سازمان ملل و چه خارج از آن)، انزوای سیاسی ایران، ائتلاف‌سازی علیه ایران، تقویت توان نظامی - دفاعی کشورهای منطقه، جنگ روانی علیه ایران (با تمرکز بر نقش رسانه‌ها) و فشار از طریق دیپلماتیک، انجام می‌شود. ایران در مواجهه با سیاست مهار عموماً رویکرد «مقابله با مهار»^۱ را اتخاذ کرده و بدان به گونه‌ای واکنشی پاسخ داده است. به عبارت دیگر در مقابل سیاست‌هایی چون ائتلاف‌سازی، جنگ رسانه‌ای و... ایران نیز دست به اقدامات واکنشی مشابهی زده است.

گزینه مهار به همراه تعامل‌گزینی، ضمن اعمال فشار، باب گفت‌وگو و مذاکره و تعامل پیرامون مقوله‌ای مشخص را باز نگاه می‌دارد. این سیاست از اواخر دوره بوش و با هدایت رابرت گیتس و کاندولیزا رایس، سیاست دولت امریکا بوده

1. Counter-containment

و به رغم وعده‌های انتخاباتی *اوباما* و تغییر لحن او، همچنان سیاست امریکاست. گزینه حمله نظامی علیه ایران تاکنون در اشکال متفاوتی طرح شده از جمله:

الف - حملات موضعی یا جراحی‌گونه:^۱ این حملات سایت‌های هسته‌ای و مربوط به هسته‌ای ایران را به عنوان هدف تعریف کرده‌اند و مدت عملیات در نظر گرفته شده برای تنها چند روز است و ممکن است از سوی امریکا یا اسرائیل و یا هر دو صورت پذیرد. هدف از این حملات، تعویق برنامه هسته‌ای ایران، و احتمال وقوع آن پایین است چراکه می‌تواند پیامدهای متفاوتی را از آنچه منظور بوده به همراه داشته باشد از جمله آنکه:

- تضمینی برای شناسایی همه سایت‌های هسته‌ای ایران وجود ندارد؛
 - تضمینی برای انهدام همگی آنها وجود ندارد؛
 - احتمال اقدامات تلافی‌جویانه از سوی ایران وجود دارد (این اقدامات می‌تواند در عراق، افغانستان، تنگه هرمز یا خلیج فارس عملیاتی شود)؛^(۳۰)
 - حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران، مخالفت‌های داخلی در خصوص لزوم برخورداری از تسلیحات هسته‌ای را کاهش می‌دهد و اتفاق نظر بیشتری پیرامون ضرورت داشتن این گونه تسلیحات را ایجاد می‌کند؛
 - شرایط و وضعیت داخلی ایران را امنیتی و رادیکال می‌گرداند.^(۳۱)
- با وجود این، چنین احتمالی، هشدار جدی علیه ایران تلقی می‌شود.

ب - حملات گسترده هوایی:^۲ در این اقدام بین ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ هدف (عمدتاً اهداف نظامی - سیاسی و نه صنعتی - اقتصادی) در نظر گرفته می‌شود که در مدت زمان ۳۰ تا ۶۰ روز انجام می‌شود و هدف از آن کاهش ظرفیت و توان نظامی - سیاسی کشور است. احتمال وقوع این نوع از حملات از مورد پیشین بیشتر است.^(۳۲)

این‌گونه اقدام نظامی نیز خطرات و پیامدهایی را برای غرب دارد و شیوه پاسخ‌گویی ایران بدان نیز نامعلوم است. با وجود این، چنین اقدامی می‌تواند کشور را برای سالیان سال مشغول بازسازی نظامی و دفاعی خود کند.

ج - جنگ تمام‌عیار: در این عملیات، نیروهای زمینی، هوایی و دریایی دخیل خواهند بود. هدف از این‌گونه اقدام نظامی، تغییر رژیم است، اما از آنجا که امریکا در حال حاضر در دو جبهه عراق و افغانستان درگیر است، احتمال وقوع آن بسیار اندک است. در واقع ظرفیت تخریب وجود دارد اما امکانات چندانی برای شرایط پس از تخریب وجود ندارد و احتمال همراهی ناتو برای جنگ در جبهه‌ای جدید نیز بسیار کم است.^(۳۳)

در تمامی موارد یادشده، مهم‌ترین مانع ممکن عملیاتی شدن گزینه‌ها، عدم اطمینان از پیامدهاست. به هر روی ایران باید از ورود به هر میدانی که ناچار به بازی گمانه‌زنی^۱ شود، پرهیز کند. استفاده از بازی گمانه‌زنی تنها تاکتیکی پدافندی است و استراتژی کلی دفاعی ایران نباید بر آن متکی باشد چراکه برخلاف امریکا که می‌تواند تا اندازه‌ای هزینه‌ها و پیامدها را تحمل و مدیریت کند، ایران از چنین ظرفیتی کمتر برخوردار است. توان نظامی، اقتصادی و مدیریتی امریکا به این کشور امکان می‌دهد که بتواند بخشی از هزینه‌ها و پیامدهای از قبل پیش‌بینی‌نشده را تحمل و جبران کند اما ایران به دلیل برخورداری کمتر از منابع نظامی، اقتصادی و مدیریتی بهتر است تا از ورود به میدان‌هایی که درصد پیش‌بینی‌پذیری پیامدها در آن پایین است، اجتناب ورزد. برای مثال ایران باید در نظر داشته باشد که نتیجه جنگ احتمالی بین ایران و امریکا هرچه باشد یک نتیجه قطعی در برخواهد داشت و آن قدرت گرفتن نسبی همسایگان ایران است که این خود موازنه قدرت در منطقه را به زیان ایران تغییر خواهد داد (شبیه وضعیتی که برای عراق پس از جنگ امریکا با عراق پدید آمد).

در رویکرد تعامل همه‌جانبه کلیه موضوعات مهم دوجانبه و چندجانبه از قابلیت طرح و مذاکره برخوردار است و طیف وسیعی از موضوعات می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد و حل و فصل برخی اختلاف‌ها و همکاری در بعضی از حوزه‌ها و مدیریت بخش‌هایی که در آن تعارض منافع استراتژیک وجود دارد را به همراه داشته باشد.

ایران و امریکا دارای حوزه‌های چالش‌برانگیز و همچنین زمینه‌های منفعتی

مشترکی هستند که در تعامل همه‌جانبه باید مدنظر قرار گرفته شوند. مقولاتی از جمله برنامه هسته‌ای ایران، تروریسم و رادیکالیسم، مناقشه فلسطین و اسرائیل و روند صلح و در نهایت حقوق بشر در زمره حوزه‌های اختلاف و تنش میان ایران و ایالات متحده محسوب می‌شوند که غالباً از سوی امریکا مطرح می‌شود. همچنین مسائلی چون تحریم‌ها، سرمایه‌های بلوکه‌شده ایران، حمایت از حرکت‌های ضد ایرانی، به رسمیت شناختن نقش منطقه‌ای ایران، شفاف‌سازی عملکرد پایگاه‌های نظامی امریکا در حوزه امنیتی ایران و خروج مسئولانه نیروهای امریکایی از منطقه از جمله دغدغه‌ها و اولویت‌های ایران در قبال غرب است. اما مسائلی چون افغانستان، پاکستان، عراق و خلیج فارس دربردارنده منافع دو طرف هستند که از ظرفیت لازم برای طرح و مذاکره برخوردارند.

بنابراین زمینه‌های زیادی برای همکاری و تعامل وجود دارد که دو طرف با تمرکز بیشتر بر مقولاتی که واجد منافع دوجانبه است می‌توانند روند همکاری و تعامل و نتیجه‌بخشی را تسریع کنند. اما آنچه ملاحظه بیشتری از جانب ایران می‌طلبد آن است که برخی از فرصت‌های بازیگری در حوزه منفعتی دوجانبه ممکن است در زمانی کوتاه از دست ایران خارج شوند. به عنوان مثال با توجه به فضای سیاسی حاکم بر ایالات متحده و فشارهای گروه‌ها و محافل داخلی آن، چندان دور از انتظار نیز نخواهد بود اگر در یک بازه زمانی محدود دولت امریکا قصد خروج از مناطقی چون افغانستان و عراق را داشته باشد. در چنین صورتی اولاً امکان استفاده از فرصت برآمده از برنامه هسته‌ای ایران کاهش می‌یابد و ثانیاً خروج یک‌باره نیروهای امریکایی می‌تواند شرایط را به گونه‌ای متحول سازد که ایران با پیامدهای نامطلوب امنیتی - سیاسی مواجه شود؛ بنابراین اولویتی که اکنون مسئله عراق و افغانستان نزد امریکا دارد ممکن است در زمان دیگری نداشته باشد. به علاوه ثبات در افغانستان و عراق و جلوگیری از تبدیل دولت پاکستان به یک دولت در حال فروپاشی^۱ و حاشیه‌نشین ساختن گروه‌های افراطی و تروریست، برای ایران بسیار حیاتی است که تحقق آن با همکاری و تعامل با دیگر کشورها محتمل‌تر و کم‌هزینه‌تر خواهد بود.

در استراتژی تعامل همه‌جانبه، با وجود آنکه طیف قابل توجهی از موضوعات، قابلیت طرح و مذاکره را دارند اما خطوط قرمزی نیز وجود دارد، از آن جمله آنچه برای ایران غیر قابل مذاکره محسوب می‌شود توقف غنی‌سازی اورانیوم است. اما اعمال محدودیت در درجه غنی‌سازی، تعداد سانتریفیوژها، تصویب پروتکل الحاقی^۱ و بُرد موشک‌ها از مقولات قابل طرح و مذاکره هستند. با توجه به شرایط موجود و گزینه‌های طرح‌شده، آنچه واجد بیشترین مطلوبیت برای جمهوری اسلامی ایران می‌باشد آن است که با بهره‌گیری از کارت بازی هسته‌ای خود وارد «تعامل همه‌جانبه» با غرب شود و با اتخاذ این استراتژی، ضمن حل و فصل طیفی از مسائل چالش‌برانگیز خود با غرب، اهداف میان‌مدت و مرحله‌ای خود را که همانا حفظ وضع موجود، عادی‌سازی روابط با غرب و ایفای نقش دولتی فعال و مسئول است، ممکن و میسر سازد.

نتیجه‌گیری

برونرفت از چالش برآمده ناشی از برنامه هسته‌ای ایران میان ایران و غرب و به‌ویژه ایالات متحده مستلزم تعیین دقیق اهداف برنامه هسته‌ای ایران؛ اعلام خواست نهایی ایران از پیگیری این برنامه؛ و رفع شبهات، ابهامات و اتهامات پیرامون آن است.

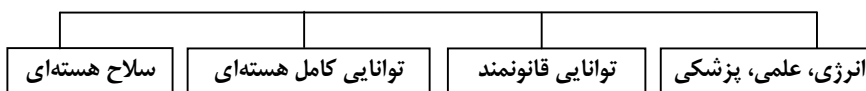
اساسی‌ترین اهداف جمهوری اسلامی ایران در برنامه هسته‌ای شامل مواردی چون بازدارندگی، ارتقای شأن و منزلت داخلی - خارجی، ارتقای سطح توسعه، نقش‌آفرینی در قالب بازیگر فعال منطقه‌ای و بین‌المللی و کسب جایگاه شایسته و افزایش قدرت «جهان اسلام» است. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود آن است که آیا تأمین اهداف یادشده صرفاً با برخورداری از تسلیحات هسته‌ای ممکن خواهد بود و آیا ایران می‌تواند با سلاح هسته‌ای در کنار تحقق اهداف یادشده، مشکلات امنیتی پیرامون خود را نیز مرتفع سازد؟ حقیقت آن است که جمهوری اسلامی ایران در برنامه هسته‌ای خود محصور میان دو گزینه قطعی دستیابی به توانمندی صلح‌آمیز هسته‌ای با مصارف صرفاً علمی، پزشکی و انرژی، و دستیابی به سلاح هسته‌ای

۱. تصویب پروتکل الحاقی می‌تواند موجبات شفاف‌سازی (Transparency)، اعتمادسازی (Confidence Building)، و راستی‌آزمایی (Verification) را فراهم آورد و نگرانی‌های ایجادشده را برطرف سازد.

نیست. این نگرش حداقلی و حداکثری نه با واقعیت منطبق است و نه پاسخگوی نیازها و اهداف و چالش‌های امروز کشور است. نه توانمندی صلح‌آمیز با اهداف کاملاً علمی، پزشکی و انرژی، کلیه اهداف گفته‌شده را برآورده می‌سازد و نه برخورداری از سلاح هسته‌ای فارغ از پیامدهای پرهزینه و غیر قابل پیش‌بینی خواهد بود؛ بنابراین لازم است تا دولت ایران به‌صراحت گزینه‌ای را که در برنامه هسته‌ای کشور می‌تواند با کمترین هزینه، بیشترین دستاوردها را به همراه داشته باشد مشخص و جامعه جهانی را در راستای آن متقاعد گرداند.

کسب گونه‌ای از توانایی هسته‌ای که از توانمندی صلح‌آمیز با مقاصد صرفاً علمی و پزشکی و انرژی عبور کرده و به برخورداری از تسلیحات هسته‌ای نرسیده، می‌تواند گزینه مطلوب باشد. بر این مبنا می‌توان از دو نوع توانایی یاد کرد: «توانایی قانونمند» و «توانایی کامل» هسته‌ای.

نمودار شماره ۴. طیف گزینه‌های موجود در برنامه هسته‌ای ایران



از میان تمامی گزینه‌های موجود، گزینه کسب «توانایی قانونمند» به دلیل برخورداری از ظرفیت تأمین بیشترین اهداف برنامه هسته‌ای، به این دلیل که برخلاف «توانایی کامل» در حوزه اقدامات قانونی جای می‌گیرد، کمترین هزینه را برای کشور و بیشترین اقبال را در رفع شبهه‌ها، ابهام‌ها و اتهام‌های غرب و اقناع افکار عمومی جهان دارد.

با تمرکز بر گزینه «توانایی قانونمند»، به جای غرب، جمهوری اسلامی ایران خود دست به طرح موضوع و قاب‌بندی موضوع^۱ و اهداف آن می‌زند و ذهنیت‌سازی می‌کند. این اقدام راه را بر اتهام‌ها و گمانه‌زنی‌های بی‌اساس غرب پیرامون برنامه هسته‌ای ایران خواهد بست و گفتمانی را مسلط می‌کند که گویای واقعیت برنامه هسته‌ای ایران است. این امر می‌تواند موجب به حاشیه رانده شدن گفتمان‌های مسلط امروز شود. ظهور و تفوق گفتمان‌های کم‌هزینه و همسو با منافع

کشور، دستاورد مهمی برای دستگاه سیاست خارجی کشورها محسوب می‌شود. قاب‌بندی «توانایی قانونمند» به عنوان رویکرد ایران در برنامه هسته‌ای خود، با تأکید بر تفکیک موجود در روند برنامه هسته‌ای (قانونی - غیرقانونی) و اعلام خواست ایران بر حرکت بر مسیر «توانمندی‌های قانونی» این معنا را به مخاطب انتقال می‌دهد که برنامه هسته‌ای ایران تنها قصد فعالیت در چهارچوب اصول قانونی را دارد.

صدور این معنا که از طرح گفتمان یادشده برمی‌خیزد در صورت مسلط شدن می‌تواند آثار مثبتی به همراه داشته باشد از جمله تسهیل ادامه برنامه هسته‌ای، کاهش هزینه ادامه برنامه، گشودن باب مذاکره و همچنین هدایت مخالفان به سمت توجه به تقسیم‌بندی‌های درون برنامه هسته‌ای و کاهش نگرانی‌ها پیرامون آن. به علاوه طرح این گفتمان در قیاس با گزینه‌هایی که عموماً عنوان می‌شود و بر دستیابی بر توانمندی صلح‌آمیز هسته‌ای، با مصارف علمی پزشکی طرح می‌شود، از پذیرش و باورپذیری بیشتری برخوردار است. با طرح تلاش ایران در جهت کسب «توانایی قانونمند» هسته‌ای به عنوان رویکرد برنامه هسته‌ای کشور، در واقع به جای گمانه‌زنی‌ها و انتساب اهداف گوناگون به برنامه هسته‌ای کشور از جانب غرب، جمهوری اسلامی خود دست به قاب‌بندی و طرح موضوع در چهارچوبی مشخص و ارائه آن به دنیا می‌زند. معماری افکار عمومی و ایجاد ذهنیت مثبت در قبال برنامه هسته‌ای ایران، در گرو طرح مناسب، باورپذیر و منسجم موضوع است.

تحقق اهداف سیاست خارجی ایران در کنار اهداف برنامه هسته‌ای حائز اهمیت است. با توجه به تغییر توازن منطقه‌ای به نفع ایران پس از سقوط طالبان و صدام، هدف میان‌مدت ایران باید «حفظ وضع موجود» باشد که تحقق آن نیازمند تأمین دو هدف مرحله‌ای دیگر یعنی عادی‌سازی روابط با غرب، و ایفای نقش دولت مسئول است. از آنجا که در حال حاضر برنامه هسته‌ای ایران به مهم‌ترین چالش میان ایران و غرب تبدیل شده، سؤال مطرح آن است که کدامین استراتژی می‌تواند ضمن حفظ تداوم برنامه هسته‌ای و حصول اهداف تعیین‌شده در آن، به تأمین هدف میان‌مدت حفظ وضع وجود و اهداف میانی آن پردازد؟

استراتژی «تعامل همه‌جانبه» با غرب پتانسیل برآورده ساختن کلیه موارد

یادشده را دارد. این استراتژی هم تأمین اهداف برنامه هسته‌ای و هم اهداف میان‌مدت را با کمترین هزینه و قابل پیش‌بینی‌ترین پیامدها میسر می‌سازد. استراتژی‌ای که تنها برنامه هسته‌ای ایران را شامل شود و به دیگر چالش‌های ایران و غرب نپردازد، نوعی فرصت‌سوزی محسوب می‌شود. غرب اکنون حاضر به تعامل با ایران است و محرک اصلی این خواست، برنامه هسته‌ای کشور است؛ بنابراین نگاه عقلانی متوجه اهمیت مضاعف دو مقوله زیر است:

الف - زمان‌شناسی و بهره‌برداری از برنامه هسته‌ای برای تعامل با غرب در زمان باقی‌مانده؛

ب - مشتمل‌سازی حوزه‌های منفعتی و چالش‌برانگیز دو جانبه و چندجانبه در روند تعامل (استراتژی تعامل همه‌جانبه).

در نهایت باید گفت برنامه هسته‌ای ایران نیازمند تعریف مشخص اهداف و تفکیک دقیق مفاهیم و شناسایی شفاف گزینه مطلوب جمهوری اسلامی در داخل و خارج است و از آنجا که متأثر از این برنامه، ایران به بازیگری مطرح در عرصه بین‌الملل تبدیل شده، باید با استفاده از این بستر و با در نظر گرفتن چالش‌های موجود خود با غرب، مجموعه‌ای از اهداف کلی، میانی و مرحله‌ای را با اتخاذ بهترین استراتژی تأمین سازد. *

پی‌نوشت‌ها

1. See: David Albright, "Iran's Nuclear Program: Status and Uncertainties", in <http://www.isisonline.org/publications/iran/albrighttestimony15march2007.pdf>
- George Perkowich, "Iran is Not an Island: A Strategy to Mobilize the Neighbors", Policy Brief", Washington, DC: *Carnegie Endowment for International Peace*, 2005, No. 34.
2. Kenneth Waltz, "The Spread of Nuclear Weapons", *Adelphi Paper*, No. 171, London: International Institute Strategic Studies, 1981.
3. Kenneth Waltz and Scott Sagan, *The Spread of Nuclear Weapons: A Debate Renewed*, New York: W. W. Norton, 2002.
4. Barry Buzan, "Peace, Power and Security: Contending Concept", *International Journal of Peace Research*, Vol. 21 (2), pp. 109-25.
5. James Rodney Schlesinger, "The Strategic Consequences of Nuclear Proliferation", *The Reporter*, 1956, Oct. 20.
6. ICG, "Iran: Discontent and Disarray", *Middle East Report*, No. 18, 27, 2003, p. 3.
۷. ناصر هادیان، «برنامه هسته‌ای ایران: تکثر دیدگاه‌ها و زمینه‌های گفتمانی»، فصلنامه سیاست مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، ۱۳۸۹، شماره ۱، بهار، صص ۶۰-۵۷.
8. Bradford Mcguinn and Mohiaddin Mesbahi, "America's Drive to the Caspian" in Houshang Amirahmadi, (ed.), *The Caspian Region At A Crossroad: Challenges of A New Frontier of Energy and Development*, 2000, p. 213-25.
9. *Ibid.*
۱۰. ناصر هادیان، پیشین، صص ۳۵۶-۳۵۷.
11. Mohiaddin, Mesbahi "Iran's Foreign Policy Toward Russia, Central Asia, and the Caucasus" in John Esposito and R. K. Ramazani, (eds.), *Iran at the Crossroads*, New York: Palgrave, 2001, pp. 149-150.
12. Anthony H. Cordesman , Adam C. Seitz, *Iranian Weapons of Mass Destruction; The Birth of A Regional Nuclear Arms Race*, Center for Strategic & International Studies, September 18, 2009.
13. Russell, Richard, off and Running, "The Middle East Nuclear Arms Race", JFQ / Issue 58, 3d Quarter 2010 Ndupress http://www.ndu.edu/press/lib/images/jfq-58/jfq58_94-99_russell.pdf

14. M. D. Kellerhals, "Concern Grows Over Potential for Middle Eastern Nuclear Arms Race", Retrieved July 27, 2010, from America.gov <http://www.america.gov/st/peacesec-english/2010/february/20100216150832.dmslahrellek0.8362543.html>

15. Graham Alison, *Nuclear Terrorism: The Ultimate Preventable Catastrophe*, Times Books, 2004.

16. A. H. Cordesman, "Security Cooperation in the Gulf: Actions-Rather Than Words and Good Intentions, Retrieved July 30, 2010, from Center for Strategic & International Studies: http://csis.org/files/media/csispubs/081111_gulfcooppres.pdf

17. Atomic Audit, *The Costs and Consequences of U. S. Nuclear Weapons Since 1940*, Brookings Institution Press, 1998.

18. J. Warrick, "U. S. Steps Up Arms Sales to Persian Gulf Allies", Retrieved July 27, 2010, from Washington Post: <http://www.washingtonpost.com/wp-dyn/content/article/2010/01/30/ar2010013001477.html>

19. Tariq Khaitous, "Why Arab Leaders Worry About Iran's Nuclear Program", <http://www.thebulletin.org/web-edition/features/why-arab-leaders-worry-about-irans-nuclear-program>.

20. Security Council Resolutions and Statements. (N. D.), Retrieved July 27, 2010, from IAEA: http://www.iaea.org/newscenter/focus/iaecairan/sc_resolutions.shtml

21. Council Conclusions on Iran's Nuclear Programme, Retrieved July 27, 2010, from the Council of European Union: http://www.consilium.europa.eu/uedocs/cms_data/docs/pressdata/en/foraff/115968.pdf

22. Patrick Clawson, Carrots Sticks and Nukes, in <http://www.guardian.co.uk/commentisfree/2008>

23. Robin Wright, "Chemical Arms' Effects Linger Long After War", *Los Angeles Times*; November 19, 2002.

۲۴. ناصر هادیان، پیشین، صص ۳۶۷-۳۷۱.

۲۵. آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، «پیام رهبر انقلاب اسلامی به نخستین کنفرانس بین‌المللی خلع سلاح و عدم اشاعه»، ۲۸ فروردین ۱۳۸۹، بازیابی ۴ مرداد ۱۳۸۹ از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای: <http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=9171>

۲۶. «یازده پیشنهاد مهم و اساسی ایران برای اصلاح NPT»، اردیبهشت ۱۳۸۹، بازیابی ۱۳ مرداد ۱۳۸۹ از پایگاه اطلاع‌رسانی دولت <http://www.dolat.ir/nsite/fullstory/?id=188783>

۲۷. برای مطالعه گفتمان‌های استقلال‌طلبی و عدالت‌طلبی در برنامه هسته‌ای ایران بنگرید به:

Moshirzadeh, Homeira, "Discursive Foundations of Iran's Nuclear Policy", *Security Dialogue*, 2008.

۲۸. محمدجواد لاریجانی، «بازخوانی دکترین ام‌القرآ»، روزنامه همشهری، پنجشنبه ۱۹ بهمن، ۱۳۸۵.
۲۹. ناصر هادیان، «وقت، مناسب است»، *روند اقتصادی*، سال ششم، شماره ۴۷، خرداد ۱۳۸۸.

30. Why the Pentagon Thinks Attacking Iran is A Bad Idea, <http://politics.usnews.com/news/articles/2008/08/07/why-the-pentagon-thinks-attacking-iran-is-a-bad-idea.html>

31. See: Rogers, P. (2010, July). Military Action Against Iran: Impact and Effects, Retrieved July 30, 2010, from Oxford Research Group: http://www.oxfordresearchgroup.org.uk/sites/default/files/iran%20report%202010_0.pdf

- Risky Business: "Why Attacking Iran is a Bad Idea", http://www.armscontrolcenter.org/policy/iran/articles/risky_business_attacking_iran_bad_idea/

32. See: "US Iran Attack Plans", Revealed, Retrieved July 30, 2010, from bbc news: <http://news.bbc.co.uk/2/hi/6376639.stm>

- A. Toukan & A. H. Cordesman, "Study on A Possible Israeli Strike on Iran's Nuclear Development Facilities", Retrieved July 30, 2010, from Center for Strategic & International Studies: http://csis.org/files/media/csis/pubs/090316_israelistrikeiran.pdf

33. See: Operation Brimstone, Retrieved July 30, 2010, from navy.mil: http://www.navy.mil/search/display.asp?story_id=38478

- W. M. Arkin, "The Pentagon Preps for Iran", Retrieved July 30, 2010, from the Washington Post: <http://www.washingtonpost.com/wp-dyn/content/article/2006/04/14/ar2006041401907.html>